

حسابرسی داخلی در بانکداری مرکزی

کریستوفر اسکات

مرکز مطالعات بانکداری مرکزی بانک مرکزی انگلیس، لندن، ماه می ۱۹۹۶

مترجم: محمد علی اصغرزاده

محقق اداره سازمان و روشهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

پیشگفتار

سری کتابهای راهنمای بانکداری مرکزی حاصل فعالیت‌های مرکز مطالعات بانکداری مرکزی بانک مرکزی انگلیس به منظور سازماندهی و ارائه دوره‌های آموزش شغلی، سمینارها و کارگاه‌های آموزش شغلی و کمک‌های فنی برای بانکهای مرکزی و کارکنان آن در سراسر دنیا می‌باشد.

با بهره‌گیری از تجارب فوق‌اساسا کتاب‌های راهنما برای استفاده بانکداران مرکزی، کارکنان وزارت‌خانه‌ها و موسسات مربوط می‌باشد. هدف ارائه موضوعات خاصی است که به‌صورتی قابل فهم، هماهنگ، متناسب و مختصر در شرایط و زمینه واقعی و مفید به آن پرداخته شود. امید است که بتوانیم کارکنان را از طریق تسریع در جذب و پذیرش جنبه‌های کلیدی موضوعات برای تصدی مسئولیت‌های جدید در سطوح مختلف، تغییر شغل در داخل بانک و یا افراد جدیدالاستخدام آماده کنیم گرچه ممکن است شیوه بیان مباحث

مختلف در کتاب‌های متفاوت یکسان نباشد. ضمن اذعان به این‌که بررسی کامل در مورد عملیات و سیاست‌های بانک مرکزی باید مبتنی بر چارچوب منطقی باشد، به‌طور کلی همواره سعی کرده‌ایم از رویکرد نظری بیش از حد اجتناب ورزیم. مضاف بر این‌که کتاب‌های راهنما برای استفاده در تحقیق تخصصی جدید در نظر گرفته نشده است.

سعی شده است هر کدام از کتاب‌ها بطور منطقی کامل و مستقل باشد ولی با توجه به علاقمندی متخصصین به مطالعات بیشتر شاید استفاده از کتاب‌های دیگر نیز پیشنهاد گردد. دیدگاه‌ها و نظرات ارائه شده الزاما نظر بانک مرکزی انگلیس نمی‌باشد.

امیدواریم این کتاب‌ها برای همکاران بانک‌های مرکزی سراسر دنیا مفید واقع شود و اگر سایر افراد علاقمند به بانکداری مرکزی نیز از آن بهره‌مند شوند موجب رضایت خاطر مضاعف خواهد شد.

بدیهی است از هر نوع پیشنهاد در خصوص این کتاب راهنما و سایر کتاب‌ها استقبال می‌کنیم.

مدیر همکاری‌های فنی و سر دبیر

تونی لتر

مدیر مطالعات بانکداری مرکزی

لئونل پرایس

چکیده

حسابرسی داخلی در بیشتر سازمان‌های بزرگ اجرا می‌شود و لذا منحصر به بانک‌های مرکزی نیست. با وجود این متن حاضر برای بانکداران مرکزی تهیه شده که بیانگر مفاهیم اساسی، رویه‌های کار و استانداردهایی است که باید در بانکداری مرکزی مورد استفاده قرار گیرد.

حسابرسی داخلی در بانک مرکزی باید وظیفه مستقلی باشد که مستقیماً به رئیس کل یا همتراز او گزارش می‌کند. وظیفه آن از یک‌طرف شناسایی ریسک‌هایی است که بانک در زمینه‌های مالی یا شهرت با آن مواجه می‌باشد از طرف دیگر پیشنهاد و توصیه کنترل‌های مناسب و حصول اطمینان از اجرای موثر سیستم‌های کنترل می‌باشد.

بخشی از مسئولیت حسابرسان باید رتبه‌بندی انواع ریسک با توجه به احتمال وقوع زیان، ورشکستگی و ارزیابی اهمیت هر نوع عواقب مالی یا از دست دادن اعتبار و شهرت باشد. این رتبه‌بندی حسابرس را به توزیع کارای منابعی که بدون شک محدود می‌باشد رهنمون می‌سازد.

اثر بخشی حسابرسی داخلی متوط به برخورداری از سازماندهی مناسب، منابع انسانی خوب و همچنین ارتباطات خوب (گرچه با فاصله، رسمی و غیر خود مانی) با سایر بخش‌های بانک می‌باشد.

علی‌رغم این‌که مجموعه حاضر منعکس‌کننده استانداردهای حرفه‌ای حسابرسی داخلی مجری در انگلیس است ولی بطور کلی در مفهوم وسیع می‌تواند برای تمام جهان کاربرد داشته باشد.

حسابرسی داخلی در بانک مرکزی

۱- مبانی مقدماتی حسابرسی داخلی

تعریف:

حسابرسی داخلی واحد و کاری (Function) مستقل در سازمان است که وظیفه بررسی ریسک‌های پیش‌روی سازمان، بازنگری کفایت و تناسب (Adequacy) کنترل‌ها جهت مقابله با آن‌ها و همچنین تایید عملکرد مورد انتظار از کنترل‌ها را عهده‌دار می‌باشد.

کلمات کلیدی تعریف:

این تعریف به سه کلمه اصلی از اصطلاحات حسابرسان مستقل تاکید دارد:

• استقلال:

استقلال از بقیه سازمان یک ضرورت است چون گاهی حسابرس ناچار به انتقاد از رویه‌های غیر قابل قبول بوده و در صورتی که حسابرس از حوزه مورد حسابرسی مستقل نباشد محتمل است که آن واحدها برای چشم‌پوشی از یافته‌های غیر قابل قبول به او فشار وارد نمایند.

• ریسک:

ریسک نقطه شروع حسابرسی در سازمان است. حسابرسی هزینه سربار گرانی است لذا تمرکز منابع خسارسان بر حوزه‌هایی که بیشترین میزان ریسک را دارند دارای اهمیت است.

در بانک مرکزی حوزه‌هایی که با زیان مالی یا خدشه‌دار شدن اعتبار مواجه می‌شوند دارای بیشترین اهمیت می‌باشند.

• کنترل:

اولین وظیفه حسابرس حصول اطمینان از وجود نظام‌های کنترل داخلی مناسب و عملکرد موثر آن‌ها می‌باشد. لذا حسابرس هنگام ارزیابی کفایت آن‌ها باید کنترل‌هایی را پیشنهاد نماید که هزینه کمتری از فایده آن داشته باشد.

نکات اساسی کاربردی:

چند نکته اساسی که لازم است حسابرس در انجام وظایف روزانه مدنظر داشته باشد عبارتند از:

- حسابرسان نباید خود بخشی از سیستم کنترل باشند. برای مثال تایید (Verification) یک دارایی توسط حسابرس نباید جایگزینی برای رسیدگی و تصدیق کارکنان مسئول مدیریت دارایی تلقی گردد.
- حسابرسان در انجام وظایف خود باید تفاهم‌نامه‌ها یا تشریفات محل حسابرسی را مشاهده و رعایت نمایند. حسابرسی داخلی خدمتی برای مدیریت بوده و حسابرسان باید عنوان خوب حسابرسی را حفظ کنند باید توجه داشته باشند که ماهیت کار آن‌ها ممکن است اختلالاتی را برای ادارات ایجاد نماید. حسابرس افسر پلیس نیست، نقش حسابرس به‌عنوان یک بازرس به سرعت به پایان می‌رسد و تعصب بی‌مورد اغلب می‌تواند موجب خدشه‌دار شدن خدمات او شود.

- حسابرسان باید منافع شخصی خود را که ممکن است موجب سلب اخراز شایستگی برای حسابرسی در حوزه خاصی گردد اعلام نمایند. برای مثال ممکن است آن‌ها حسابرسی در مورد یک دوست یا فامیل نزدیک را به عهده گرفته باشند.
- حسابرسان باید رازدار باشند. زیرا احتمالاً اسناد حساس و مهمی را در حسابرسی‌ها رویت خواهند کرد که برخی از آن‌ها مخصوصاً در بانک مرکزی به لحاظ سیاسی حساس می‌باشند.
- رعایت کامل اصول اخلاقی از جانب حسابرسان ضروری است. برخی از اطلاعاتی که آن‌ها رویت می‌کنند می‌تواند مورد استفاده شخصی قرار گیرد لذا باید مقرراتی وجود داشته باشد که سر حسابرس از قبل در جریان همه معاملات شخصی سهام یا ابزارهای مالی حسابرسان قرار گیرد. همچنین باید مقرراتی برای ممنوعیت دریافت هدیه یا رشوه از اشخاص ثالث وجود داشته باشد.

۲- ریسک‌ها و کنترل‌ها

همانطوری که در بخش اول عنوان شد حسابرسی داخلی کلاً به شناسایی ریسک‌های پیش‌روی سازمان و حصول اطمینان از کنترل مناسب ریسک می‌پردازد. حسابرسی داخلی مکمل یا جایگزین کنترل داخلی نبوده و مدیریت بدون اتکا به حسابرسی مسئولیت کنترل ریسک را برعهده دارد.

ریسک‌ها:

سازمان‌های گوناگون با انواع متفاوتی از ریسک‌ها مواجه می‌باشند. اما زیان پولی و از دست دادن اعتبار و شهرت در صدر انواع ریسک قرار می‌گیرد این موضوع مشخصاً در بانک‌های مرکزی صادق می‌باشد. زیان پولی بانک مرکزی در بیشتر موارد از محل بودجه بوده یا باید از آن محل جبران گردد و این امر، اعتبار بانک مرکزی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. همچنین اگر بانک کنترل‌های ضعیفی را در امور حساسی از قبیل چاپ اسکناس اعمال نماید به نحوی که منجر به کیفیت پایین اسکناس یا جریان اسکناس‌های قابل جعل و تقلبی شود، این موضوع موجب خدشه‌دار شدن اعتبار و شهرت بانک می‌گردد.

از دست دادن پول و شهرت، ریسک‌های سطح بالایی هستند اما زیان واقعی ممکن است از طرق مختلف ناشی شود. بانک مرکزی این راه‌های متفاوت منجر به وقوع مجموعه‌ای از ریسک‌های ثانویه می‌گردد که حساب‌رسان باید روی آن تمرکز نمایند این ریسک‌ها شامل موارد ذیل خواهد بود:

- کلاهبرداری
- نقض قوانین
- خطا و اشتباه
- از دست دادن داده‌ها و ضعف اطلاعاتی
- سرقت و دزدی
- زیان مربوط به ساختمان‌ها
- ضعف قضاوت
- ورشکستگی طرف‌های مقابل
- ضعف برنامه‌ریزی استراتژیک
- عدم کفایت مدیریت اطلاعاتی
- اشاعه ویروس‌های رایانه‌ای
- پشتیبانی ضعیف و غیر موثر از سیستم‌های رایانه‌ای

نمونه‌هایی از این ریسک‌ها که ممکن است در بانک مرکزی متبلور شود در ضمیمه شماره یک آمده است. صراحتاً هیچ نوع خاصی از ریسک خیلی مهمتر از انواع دیگر نمی‌باشد. این امر به سیستم تجارتي که ریسک در آن اتفاق می‌افتد بستگی خواهد داشت. به عنوان مثال ریسک سرقت و دزدی در یک سیستم نگهداری از طلا خیلی مهم بوده ولی در سیستمی که با پول نقد کمی سر و کار دارد از اهمیت کمتری برخوردار می‌باشد. چگونگی اندازه‌گیری ریسک در یک سیستم در بخش ششم تشریح شده است.

کنترل‌ها:

موسسه حسابرسان داخلی انگلیس کنترل‌های داخلی را به شکل ذیل تعریف می‌کند:

کنترل داخلی بخشی از فرایند مدیریت بوده و شامل اقداماتی است که توسط مدیریت برای برنامه‌ریزی، سازماندهی و رهبری انجام فعالیت‌های کافی برای حصول اطمینان منطقی از دستیابی به اهداف ذیل صورت می‌گیرد:

- تحقق اهداف و مقاصد تعیین شده برای عملیات و برنامه‌ها
- استفاده کارا و اقتصادی از منابع
- انسجام و قابلیت اعتماد اطلاعات
- تطبیق با سیاست‌ها، برنامه‌ها، رویه‌ها، قوانین و مقررات

انواع مختلفی از کنترل وجود دارد که حسابرس داخلی به دنبال آن می‌باشد. کنترل ریسک در بانک‌های مرکزی در زمینه‌های زیر صورت می‌گیرد:

کنترل‌های مربوط به کارکنان:

- تجربه مناسب و کافی
- آموزش شغلی کافی
- سطوح پرسنلی مناسب
- خطوط ارتباطی روشن

کنترل‌های مربوط به روش کار:

- اختیارات تفویض شده
- زمان انجام کار
- انتقالات توسط دو امضاء انجام شود
- نظارت بر مبالغ به منظور تایید صحت حساب‌ها

کنترل‌های مربوط به عملیات:

- حدود مبادلات
- تمیز عملیات بازرگانی از عملیات تسویه
- تعریف مشخص در دستورالعمل‌های مربوط به داده‌های تسویه
- گزارش‌های خاص تعیین‌کننده تجاوز از حدود معین
- چگونگی تایید دستورالعمل‌های تسویه از طریق SWIFT
- کنترل مذاکرات معامله‌گران (DEALERS)

کنترل‌های مربوط به جواهرات و اشیاء قیمتی:

- کنترل مضاعف برای دسترسی به جواهرات معمولاً توسط دو نفر که دارای کلیدهای جداگانه می‌باشند صورت می‌گیرد.
- شمارش و تطبیق منظم
- تفکیک مراقبت از جواهرات از نگهداری سوابق
- نمایش ویدئویی اتاق‌های خزانه و گاو صندوق‌ها

کنترل‌های مربوط به رایانه:

- تصویر از داده‌ها برای مواقعی که اطلاعات رایانه اصلی از بین می‌رود.
- تدارک برق اضطراری جهت سیستم‌های حیاتی.
- سایت احتیاطی جداگانه برای مواقعی که آتش‌سوزی در سایت اصلی اتفاق می‌افتد.
- کلمه عبور برای سیستم رایانه.
- سیستم‌های مستند مناسب به‌صورتی که اهل فن به راحتی اشتباهات را دنبال نمایند.
- کنترل‌های شدید برای ورود به برنامه‌ها در هنگام نیاز به تغییرات.
- شبکه‌های با کد مخصوص برای کاهش خطر دستیابی مزاحمین و سارقین رایانه‌ای سودجو.
- کنترل‌های فیزیکی برای دسترسی به اتاق‌های رایانه.

گرچه حساب‌برسان می‌توانند در مورد کنترل توصیه‌هایی بنمایند اما مسئولیت اصلی کنترل، با مدیریت متولی انجام عملیات خواهد بود. نگرش مدیریت به کنترل بطور اجتناب‌ناپذیر از نحوه نگرش مدیران ارشد متأثر می‌باشد. از این رو باید یک محیط کنترلی قوی از راس سازمان به سطوح پایین جاری شود. در خصوص بانک مرکزی این کار از طرف رئیس کل یا همتراز ایشان صورت خواهد گرفت.

احتمال و اهمیت زیان:

هر کنترلی برای مقابله با خسارت هزینه‌ای در بر خواهد داشت. بنا بر این شدیدترین و گرانترین کنترل‌ها بر عملیاتی که دارای بیشترین ریسک هستند حایز اهمیت می‌باشد. این امر بدین مفهوم نیست که چنین عملیاتی به احتمال زیاد به صورت اشتباه انجام می‌گیرد.

مبلغ زیان احتمالی نیز مهم است. مثلا شاید احتمال این که یکی از کارکنان هزینه‌ها را متورم نشان دهد زیاد باشد ولی اهمیت زیان مترتب بر آن خیلی پایین خواهد بود. در مقابل احتمال تحریف یا توقف دستور پرداخت بانک احتمالا کم می‌باشد ولی میزان زیان بانک در این مورد خیلی زیاد خواهد بود.

بنابراین تصمیم‌گیری در خصوص چگونگی استقرار کنترل‌های پرهزینه بستگی به ارزیابی از احتمال وقوع ریسک و همچنین میزان و اهمیت زیان ناشی از آن خواهد داشت. تصمیم‌گیری جهت تعیین سطح کل ریسک در یک سیستم خاص با قراردادن دو متغیر در یک جدول ماتریس امکان‌پذیر خواهد بود:

اهمیت بالای زیان	اهمیت متوسط زیان	اهمیت پایین زیان	
ریسک بالای سیستم	ریسک بالای سیستم	ریسک متوسط سیستم	احتمال بالای زیان
ریسک بالای زیان	ریسک متوسط زیان	ریسک پایین زیان	احتمال متوسط زیان
ریسک متوسط سیستم	ریسک متوسط سیستم	ریسک پایین سیستم	احتمال پایین زیان

ترجیحا لازم است منابع حسابرسی به سیستم‌های با ریسک بالا یا متوسط هدایت شود.

۳- ارتباطات

همان‌طوری که در بخش اول عنوان گردید، حسابرسی داخلی واحد و وظیفه‌ای مستقل است که به بررسی کفایت و اثر بخشی کنترل‌های مربوط به ریسک‌های پیش‌روی یک سازمان می‌پردازد. اطلاع کلیه افراد سازمان از آنچه حسابرسی داخلی به دنبال آن می‌باشد، دارای اهمیت است.

تبلیغات (Publicity):

اطلاع‌رسانی واحد حسابرسی داخلی می‌تواند از طریق انتشارات صورت گیرد. بیان مسئولیت‌ها: شامل عبارات و اصطلاحات رسمی و صریح مربوط به حسابرسی داخلی است و باید مورد قبول هیات عالی اجرایی سازمان قرار گیرد.

• بروشور حسابرسی:

چکیده‌ای از دستورالعمل شرح مسئولیت‌ها است که بطور خلاصه چگونگی انجام حسابرسی داخلی و انتظارات از مدیریت را تشریح می‌نماید. این بروشور می‌تواند در ابتدای حسابرسی در اختیار حسابرسی شونده قرار گیرد.

• راهنمای حسابرسی:

شرح مفصلی از چگونگی انجام وظایف حسابرسان می‌باشد که اصول حسابرسی را بیان کرده و استانداردهای مورد انتظار را توضیح می‌دهد. راهنمای حسابرسی برای استفاده حسابرسان طراحی شده است.

• خطوط گزارشگری حسابرسی:

انتقال موثر نظرات حسابرسی مستلزم وجود خطوط گزارشگری شفاف در واحد حسابرسی داخلی است.

استقلال:

حسابرسان داخلی باید از مدیریت سازمان مستقل باشند همانگونه که در بخش اول مطرح شد گاهی حسابرس مجبور خواهد بود رویه‌های غیرقابل قبول را مورد انتقاد قرار دهد و

اگر حسابرس از حوزه تحت حسابرسی مستقل نباشد برای چشم‌پوشی از مواردی که رضایت بخش نمی‌باشد از جانب آن واحد تحت فشار خواهد بود.

بنابراین حسابرسان باید به راس سازمان گزارش مستقیم بدهند. در مورد یک بانک مرکزی موضوع بدین مفهوم است که رئیس حسابرسی داخلی باید به رئیس کل یا هم‌تراز او گزارش دهد.

برای کمک به حفظ استقلال، حسابرسان نباید هیچ‌گونه مسئولیت عملیاتی در سازمان داشته باشند. بطور مثال وقتی که حسابرس کارت‌های (اسناد) مبادله عملیات ارزی را بررسی می‌کند این بررسی نباید جایگزین رویه‌های رسیدگی کامل مدیریت مربوطه تلقی گردد.

کمیته‌های حسابرسی:

تشکیل یک کمیته فرعی برای بررسی موضوعات حسابرسی از جانب هیات مدیره سازمان اقدامی بجاست. حتی‌الامکان کمیته حسابرسی باید از مدیران غیر اجرایی تشکیل شود. این امر موجب افزایش بیشتر استقلال واحد حسابرسی می‌گردد. به‌منظور حفظ استقلال و ارتباطات صحیح، باید دسترسی بدون محدودیت رئیس حسابرسی داخلی به رئیس کمیته حسابرسی در شرح وظایف و مسئولیت‌های اداره حسابرسی پیش‌بینی شده باشد. همچنین لازم است رئیس حسابرسی داخلی به صورت مرتب گزارش‌هایی را به کمیته حسابرسی در خصوص وضعیت کنترل‌ها در سازمان ارائه نماید.

واقع بینی (Objectivity):

حسابرسان باید واقع بین بوده و اجازه ندهند نفوذهای بیرونی یا ایده‌های دیگران قضاوت مستقل آن‌ها را خدشه‌دار سازد. واقع بینی می‌تواند از راه‌های مختلفی مورد تهدید قرار گیرد به طور مثال:

- ممکن است حسابرسی شونده در سازمان، ارشدتر از حسابرس باشد که این امر نباید موجب هراس حسابرس شود.
 - ممکن است از حسابرس درخواست شود که کار یکی از دوستان نزدیک یا بستگان را حسابرسی نماید. در چنین مواردی لازم است حسابرس کنار رفته و از حسابرس دیگری درخواست شود که ماموریت را تکمیل نماید.
 - ممکن است حسابرسان احساس نمایند آینده شغلی آنها با حسابرسی از کارمندی که در آینده نزدیک پس از ترک اداره حسابرسی در واحد او مشغول به کار خواهند شد، به مخاطره افتد. در چنین مواردی نیز لازم است حسابرس کنار گذاشته شود و از حسابرس دیگری درخواست شود که ماموریت را تکمیل نماید.
- حسابرسان نباید کاری را که در شغل قبلی، مسئولیت‌هایی از آنرا عهده‌دار بوده‌اند حسابرسی نمایند. برای اجتناب از چنین مواردی اداره حسابرسی باید سیاستی را پیش‌گیرنده حسابرسان، اداراتی را که حداکثر شش ماه پیش آنجا را ترک کرده‌اند حسابرسی ننمایند.

ارتباط با حوزه‌های حسابرسی:

یکی از ابزارهای حسابرسی موفق، ارتباطات مناسب با حوزه حسابرسی است. این موضوع در بخش ششم بطور مشخص تحت عنوان مستندسازی و گزارشگری حسابرسی توضیح داده شده است.

حسابرسان مستقل:

بنا به دلایل زیر وجود روابط نزدیک و ارتباطات شفاف بین حسابرسان داخلی و حسابرسان مستقل حایز اهمیت می‌باشد.

- حسابرسان مستقل می‌توانند تجربیات خود از حسابرسی داخلی ادارات سازمان‌های دولتی را به سازمان مورد بحث بیاورند. لذا سازمان از انتخاب بهترین روش حسابرسی داخلی اطمینان حاصل می‌کند.
 - حسابرسان مستقل می‌توانند کیفیت حسابرسی داخلی را ارزیابی نمایند.
 - حسابرسان مستقل شاید بتوانند برای برخی از نیازها به کار حسابرسی داخلی اعتماد نمایند و این امر موجب کاهش هزینه حسابرسی مستقل می‌شود.
- برای حسابرسی مستقل و داخلی فهم دقیق مسئولیت‌های محوله دارای اهمیت می‌باشد. معمولاً وجود خلاصه‌ای از مطالب مورد توافق طرفین روش خوبی برای اطمینان از درک و شناخت مسئولیت‌ها و وظایف بوده و از تداخل غیر ضروری درانجام وظایف ممانعت به عمل می‌آورد.

۴- استانداردهای حسابرسی داخلی

هر اداره حسابرسی باید مجموعه‌ای از استانداردهای خاص خود که می‌تواند دربرگیرنده طیفی از استانداردهای سطح بالا مانند موارد ذیل تا استانداردهای سطح پایین از قبیل استانداردهای مستندسازی حسابرسی را تهیه و تنظیم نماید. اگر کتاب راهنمایی که اداره حسابرسی با آن حسابرس منتشر می‌نماید حاوی استانداردهای دقیقی باشد سودمند خواهد بود.

از باب مثال استانداردهای پنجگانه سطح بالای مورد نظر موسسه حسابرسان داخلی انگلیس عبارتند از:

استقلال:

«حسابرسان داخلی باید از فعالیت‌هایی که حسابرسی می‌کنند مستقل باشند.»

استقلال با توجه به دو عامل زیر حاصل می‌شود:

- پست سازمانی حسابرس
- بی‌طرفی و واقع بینی حسابرس

تجربه و مهارت حرفه‌ای:

حسابرسی داخلی باید با مهارت و دقت حرفه‌ای صورت گیرد.

تجربه و مهارت از طرق زیر حاصل می‌شود:

- کارمندیابی مناسب
- ارتباطات خوب با حوزه حسابرسی
- تحصیلات لازم
- دارا بودن مهارت‌های ضروری
- نظارت خوب به کار حسابرس
- دقت حرفه‌ای

حوزه کار:

“دامنه و حیطه کار حسابرسی داخلی باید شامل بررسی و ارزیابی کفایت و اثر بخشی

سیستم کنترل داخلی سازمان و کیفیت عملکرد در انجام مسئولیت‌های محوله باشد.”

- تعیین حوزه کاری مناسب با توجه به موارد زیر خواهد بود:
- اطمینان از قابل اعتماد بودن اطلاعات
- اطمینان از انطباق و رعایت رویه‌ها
- اطمینان از محافظت از دارایی‌ها
- اطمینان از به‌کارگیری کارای منابع

انجام حسابرسی:

"حسابرسی باید شامل مراحل برنامه‌ریزی برای حسابرسی، بررسی و ارزیابی اطلاعات، بیان نتایج و پی‌گیری باشد."

- دستیابی به عملکرد خوب مستلزم رعایت موازین ذیل می‌باشد:
- برنامه‌ریزی دقیق
- تجزیه و تحلیل مناسب
- بیان خوب نتایج
- پی‌گیری مداوم

مدیریت اداره حسابرسی داخلی:

رئیس حسابرسی داخلی باید اداره حسابرسی را به صورت مناسب مدیریت نماید.

مدیریت خوب مستلزم رعایت شرایط زیر می‌باشد:

- اختیارات و اهداف شفاف
- برنامه‌ریزی دقیق
- پیش‌بینی رویه‌های مشخص انتخاب دقیق کارکنان
- رابطه خوب با حسابرسان مستقل
- اطمینان و تضمین کیفیت به‌نحو مداوم

۵ - انواع حسابرسی

سازمان‌های مختلف ممکن است انواع حسابرسی را به روش‌های گوناگون و از نظر اهمیت به‌شکلی متفاوت طبقه‌بندی نمایند. احتمالاً مناسبترین طبقه‌بندی برای بانک مرکزی به شرح زیر می‌باشد:

حسابرسی مالی:

حسابرسی اطمینان می‌دهد که ریسک‌های مترتب بر مبادلات مالی یا سایر رویه‌ها از کنترل‌های کافی برخوردار بوده و در حال اجرا می‌باشند. حسابرس هنگام بررسی کفایت کنترل‌ها در مقام حسابرسی سیستم‌ها بوده و هنگامی که خود کنترل‌ها را بررسی می‌کند در مورد رعایت مقررات (Compliance) انجام وظیفه می‌نماید. اگر کنترل و تایید حفاظت از دارایی‌های مالی فیزیکی (Physical financial assets) از طرف حسابرس ضرورت داشته باشد در آن صورت حسابرسی از نوع مراقبت (Custody) خواهد بود.

حسابرسی رایانه:

این حسابرسی برای حصول اطمینان از کنترل مناسب رایانه‌های بانک صورت می‌گیرد. برای مثال این که آیا کنترل‌های فیزیکی بروی سایت رایانه مناسب و کافی است؟ آیا از داده‌ها به صورت مرتب تصویر تهیه می‌شود؟ و آیا رمزهای ورودی به اطلاعات بطور مرتب عوض می‌شود؟ در این مرحله حسابرس مسئولیت حسابرسی عملیاتی را عهده‌دار می‌باشد. برنامه‌های کاربردی رایانه و کنترل آن‌ها با توجه به این که بخشی از فرایند کار محسوب می‌شود معمولا برعهده حسابرسان مالی می‌باشد. همچنین برای حسابرسان اطلاع از سیستم‌های رایانه‌ای جدید در مرحله طراحی جهت حصول اطمینان از اعمال کنترل‌های مناسب دارای اهمیت می‌باشد که این موضوع حسابرسی توسعه (Development) محسوب می‌شود.

حسابرسی ارزش پولی (Value-for-money):

این نوع حسابرسی در خصوص ارزش پولی که سازمان از محل یک فرایند خاص کسب می‌کند نظر کارشناسی به مدیریت ارائه می‌کند و بررسی در مورد کنترل ریسک‌ها در سیستم

نمی‌باشد به این جهت برخی از حسابرسان داخلی بر این باورند که حسابرسی‌های کارایی باید توسط مشاورین داخلی یا خارجی متخصص مدیریت صورت گیرد.

کنترل خودارزیابی (Control self – assessment):

«کنترل خودارزیابی» نوعی حسابرسی است با این تفاوت که توسط خود حوزه عملیاتی و با کمک حسابرسان داخلی انجام می‌شود. هدف از خود ارزیابی برای مدیریت محلی، بررسی مداوم سلامت خویش در ارزیابی موارد زیر می‌باشد:

- ریسک‌های اصلی کلیدی درحوزه مربوط.
- اثرات مالی هر ریسک.
- مراحل که باید برای کنترل ریسک طی شود.
- مراحل که برای اطمینان از انجام کنترل طی می‌شود.

کنترل خود ارزیابی نباید جایگزینی برای وظیفه حسابرسی مستقل در یک سازمان تلقی شود. بلکه بدین مفهوم است که حسابرسان مستقل هنگام انجام وظایف محوله به دلیل خود ارزیابی توسط مدیریت محلی با محیط کنترلی بهتری مواجه می‌شوند.

مزایای کنترل خود ارزیابی عبارتند از:

- مدیریت صف با ریسک و کنترل بیشتر درگیر می‌شود.
- بررسی کنترل‌ها بیشتر از زمانی خواهد بود که صرفاً به عهده حسابرسی داخلی گذارده می‌شود.
- مدیریت صفی بهتر قادر به تشخیص نارسایی‌ها و کنترل‌های اضافی خواهد بود.
- پرسنل صف نسبت به موضوعات کنترلی آگاهی بیشتری کسب می‌کنند.

معایب کنترل خود ارزیابی عبارتند از:

- ممکن است مدیریت صفی برای برجسته نمودن ناکارایی‌ها آمادگی نداشته باشد.
- احتمالاً در انجام حسابرسی داخلی دوباره کاری می‌شود.
- ممکن است مدیران صفی آنرا فشار بوروکراتیک تلقی کنند.
- ممکن است مدیران صفی فرصت پرداختن به آنرا نداشته باشند.

۶- جنبه های عملی حسابرسی داخلی

تصمیم‌گیری در خصوص آنچه باید حسابرسی شود

وظیفه حسابرسان داخلی حصول اطمینان از کنترل مناسب ریسک می‌باشد. بنابراین لازم است توان حسابرسی داخلی به حوزه‌هایی که با بیشترین ریسک مواجه می‌باشند هدایت شود.

اندازه‌گیری ریسک مشکل بوده و به دلیل اینکه متضمن به‌کارگیری قدرت قضاوت حسابرسان می‌باشد عملی کاملاً علمی نیست. بنابراین در ارزیابی ریسک تنها از راهنمایی‌های کلی می‌توان استفاده نمود.

روش‌های مختلفی برای ارائه رهنمودها می‌توان در نظر گرفت ولی پیشنهاد این است که برای هر یک از سیستم‌های بانک (تسویه عملیات ارزی، محافظت اشیای قیمتی و جواهرات، حقوق پرداختی و غیره) سوالات زیر در نظر گرفته شود:

- آیا فعالیت اصلی بانک می‌باشد؟
- کیفیت کنترل‌ها در بانک چگونه است؟

- خطا / زیان، اعتبار بانک را خدشه دار می‌سازد؟
- جافتادگی و بلوغ سیستم در چه حدی است؟
- خطا / زیان منجر به نقض قوانین می‌شود؟
- سابقه ای از خطا / زیان وجود دارد؟
- خطا / زیان اثر مهمی بر حساب‌های بانک دارد؟
- کیفیت مدیریت و کارکنانی که سیستم را اداره می‌کنند چگونه است؟

به هر پرسش با توجه به اهمیت آن می‌توان وزنی اختصاص داد. به هر پرسشی می‌توان درمقیاس ۱-۳ امتیاز داده و امتیاز در وزن سوال ضرب شده و سپس تمام امتیازات وزنی جمع می‌شود. نتیجه، بیانگر درجه ریسک آن سیستم خواهد بود. مقایسه این درجات برای سیستم‌های مختلف، حساب‌رسان را در هدایت موثر اقداماتشان کمک خواهد کرد. در شرایط یکسان سیستم‌هایی که بیشترین درجات ریسک را دارند باید مورد توجه بیشتری قرار گیرند. نمونه‌های آن در ضمیمه شماره ۲ آمده است.

تنظیم یک برنامه حسابرسی:

با استفاده از رتبه‌بندی ریسک (Risk ranking) به‌عنوان راهنمای آنچه که باید حسابرسی شود و فواصل زمانی حسابرسی می‌توان یک برنامه سالانه تنظیم نمود. لازم است تخمینی از منابع مورد نیاز برای کل برنامه صورت گیرد. همواره باید به خاطر داشت که هزینه حسابرسی در مقابل هزینه‌های پذیرش ریسک معقول باشد.

در فرایند برنامه‌ریزی مشارکت روسای اداراتی که حسابرسی می‌شوند دارای اهمیت شایانی است. آن‌ها ارزیابی حساب‌رسان از نقاط ریسک را مسجل نموده و مورد تایید قرار خواهند داد.

برنامه‌ها باید مورد موافقت بالاترین مقام اجرایی (Top executive body) سازمان قرار د. این امر اطمینان می‌دهد که حسابرسان در انجام وظایف محوله از اختیارات لازم برخوردار می‌باشند.

ی‌ند حسابرسی:

حسابرسی موفق مستلزم انجام موارد زیر است:

برنامه‌ریزی دقیق.

شناخت سیستمی که باید حسابرسی شود.

ارزیابی صحیح از ریسک و کنترل.

ارتباطات خوب.

مستندسازی واقعی و کامل.

مهریزی دقیق:

حسابرسان باید از پوشش کامل فقط یک حوزه خودداری کنند.

درمورد بازدید برای حسابرسی از قبل اطلاع دهند. گرچه این امر در مورد حسابرسی

حفاظت از خزانه که باید سرزده و ناگهانی صورت گیرد مصداق ندارد، زیرا منجر به عدم

دستیابی به هدف حسابرسی می‌شود.

کارکنان حسابرسی باید به صورت مناسبی توجیه شده باشند.

همچنین آن‌ها باید تضاد منافع را در مواردی که حسابرسی می‌کنند تصریح و اظهار نمایند.

و شناخت سیستمی که باید حسابرسی شود:

کارکنان حسابرسی باید بدانند که سیستم چگونه کار می‌کند و آن‌ها دنبال چه چیزی هستند؟

ارزیابی صحیح از ریسک و کنترل:

کارکنان حسابرسی باید به ارزیابی ریسک بپردازند.

ارزیابی خود را دقیقاً ثبت نمایند.

مدیریت حسابرسی باید آمادگی لازم برای چالش با کارکنان خود را در مورد برآوردهای آن‌ها داشته باشد.

رتباطات خوب:

اداره‌ای که مورد بازرسی قرار می‌گیرد باید از اهداف حسابرسی مطلع باشد.

حسابرسان با کارکنان حوزه حسابرسی شونده در مورد ریسک‌ها به تفاهم رسیده باشند.

حسابرسان باید در مورد نظارت ضعف کنترل با حوزه حسابرسی شونده به توافق برسند.

گزارش‌های حسابرسی باید کوتاه و مختصر بوده و شامل مواردی نباشد که برای افراد تحت حسابرسی جنبه غافلگیرانه و مج‌گیری داشته باشد.

سندسازی واقعی و کامل (Thorough documentation):

برای ثبت یافته‌های حسابرسی باید شکل استاندارد و وجود داشته‌باشد.

مدیریت حسابرسی مطالب و نوشته‌های حسابرسی را مورد بررسی و رسیدگی دقیق قرار دهد.

گزارش‌های حسابرسی باید برای بازرسی حسابرسان مستقل در دسترس باشد.

در مورد مدت زمان نگهداری گزارش‌های حسابرسی نیز تفاهم خاص حاصل شده باشد.

شواهد و قرائین (Evidence) حسابرسی و گزارشگری:

اداره حسابرسی هر سازمانی باید رویه‌های مکتوب و روشنی برای ثبت شواهد و مدارک حسابرسی و اطلاع‌رسانی نتایج و پیشنهادها داشته باشد.

بررسی و ارزیابی اطلاعات:

حسابرسان باید فرایندهای کار و ریسک‌های بانک را تجزیه و تحلیل نموده و کفایت و کاربرد بهنگام کنترل‌ها را بررسی نمایند بویژه:

- برای فراهم نمودن مبنایی صحیح جهت یافته‌های حسابرسی و ارائه پیشنهادها، اطلاعات ثبت شده باید کافی، کامل، مربوط و مفید باشند.
- رویه‌های حسابرسی شامل فنون نمونه‌گیری و آزمون باید حتی‌الامکان از قبل انتخاب شده باشد.
- باید واقع‌نگری حسابرسان حفظ شده و اهداف حسابرسی تامین گردد.
- نوشته‌های کاری (Working papers) بایستی اطلاعات را ثبت و تجزیه و تحلیل کند به‌نحوی که یافته‌ها و پیشنهادهایی را که باید گزارش شود توجیه نماید.

اطلاع‌رسانی نتایج:

- یافته‌های حسابرسی باید بصورت شفاف و سازنده اطلاع‌رسانی شده و حسابرسان در صورت لزوم پیشنهادها و همکاری‌های لازم برای تقویت کنترل درخصوص حوزه‌های حسابرسی شده بعمل آورند. مفهوم این امر در حوزه عملی این است که:
- نتایج حاصله و وظیفه محوله باید با ناظرین محلی مورد بحث قرار گیرد.
- هنگامی که نتایج مورد توافق قرار گرفت برگه نتایج (Findings sheet) یافته‌ها که بیانگر جزئیات وظایف محوله و استنتاج حاصله است باید در اختیار مدیر اداره قرار گیرد.

- مدیران حوزه‌های حسابرسی شده باید در خصوص نتایج، به پاسخگویی به صورت مکتوب ترغیب گردند. آنان باید آگاه باشند که نظراتشان در گزارش نهایی لحاظ و گنجانده خواهد شد. لذا شاید لازم باشد با مدیریت اداره جلسه‌ای تشکیل گردد.
- گزارش حسابرسی بعد از این مراحل باید مکتوب گردد.

گزارش حسابرسی:

گزارش حسابرسی باید به روشنی اهداف و دامنه حسابرسی، وظایف محوله، نتایج حاصله و همه پیشنهادها را در برگیرد. گزارش معمولاً برای سرپرست واحد مورد نظر ارسال می‌گردد. همچنین خلاصه‌ای از گزارش باید برای مدیر مربوط ارسال شود.

گزارش‌های حسابرسی نیازمند نوعی طبقه‌بندی می‌باشد، این امر به مدیر اداره بینش خوبی در خصوص وضعیت کنترل‌ها در حوزه‌های مربوط ارائه می‌دهد. طبقه‌بندی گزارش باید ساده باشد مانند خوب، رضایتبخش و غیرقابل قبول. طبقه‌بندی‌ها باید تعریف شوند. در این مثال تعاریف می‌تواند به شکل زیر باشد:

خوب: محیط کنترل در داخل و خارج در زمان فرایند حسابرسی شده کاملاً رضایتبخش بوده و با توجه به شواهد موجود خوب عمل می‌کند.

رضایتبخش: محیط کنترل داخل و خارج در زمان فرایند حسابرسی شده برای حفظ سازمان در مقابل ریسک‌های غیر قابل قبول کافی است و بر اساس شواهد خطای آن بیش از اندازه نمی‌باشد.

غیر قابل قبول: ضعف‌های عمده‌ای در طراحی یا اجرای محیط کنترل در داخل و خارج در زمان فرایند حسابرسی شده وجود دارد که سازمان را با خطاهای غیرقابل قبول مواجه می‌سازد.

گیری:

حسابرسان باید از پی گیری پیشنهادها مطمئن شوند. اگر اداره مورد حسابرسی پاسخگویی پیشنهادها را فراموش کند و حسابرسی نیز پی گیری ننماید، تصویر خوبی از حسابرسی نشان داده نخواهد شد. اداره حسابرسی شونده ممکن است ابتدا به اهمیت پی گیری توصیه های حسابرسی آگاه نباشد.

کنترل کیفیت:

حفظ کیفیت حسابرسی اهمیت فراوانی دارد. این امر به سازمان اطمینان می دهد که با تمام حسابرسی بهترین نتیجه از این اقدام به دست آمده است. کنترل کیفیت می تواند مهده یکی از موارد ذیل باشد:

- مدیریت حسابرسی.
- گروه های همکار حسابرسی.
- حسابرسی مستقل.

الانی که بررسی کنندگان از خودشان می پرسند شامل موضوعات ذیل می باشد:

امه ریزی استانداردها:

کیفیت خلاصه گزارش حسابرسی چگونه است؟

آیا رهبر حسابرسی برای نشان دادن حوزه هایی که نیازمند توجه خاص می باشند

برگه های شغلی (Job sheets) حسابرسی را تشریح نموده است؟

آیا حوزه های حسابرسی در مورد تغییرات عمده در فرایند زمان حسابرسی با مشکلاتی

که اخیرا با آن مواجه شده اند مورد پرسش قرار گرفته اند؟

- آیا قبل از شروع حسابرسی شواهدی وجود دارد که همه موضوعات از زمان آخرین حسابرسی انجام شده مورد توجه قرار گرفته باشد؟

استانداردهای اجرا:

- آیا اهداف حسابرسی برآورده شده است؟
- ارتباط اطلاعات چگونه است؟ آیا نتایج را پشتیبانی می‌نماید؟
- آیا تمام وظایف حسابرسی انجام شده است؟
- آیا حسابرسان محیط کنترل را در حوزه‌های حسابرسی ارزیابی کرده‌اند؟
- آیا یافته‌های حسابرسی اولیه در زمان معقول به حوزه حسابرسی ارسال شده است؟
- آیا حوزه حسابرسی در زمان منطقی پاسخ داده است؟
- آیا پاسخ، مناسب و کافی بوده است؟

استانداردهای تکمیل کار حسابرسی:

- آیا مدیریت حسابرسی گزارش‌های حسابرسی را قبل از انتشار، بررسی نموده است؟
- آیا مطالب اصلی نتایج اولیه در گزارش آمده است؟
- آیا تمام مطالب محتوایی گزارش از یافته‌های اولیه نشأت گرفته است؟
- آیا گزارش در زمان مناسب منتشر شده است؟
- اگر گزارش مستلزم دریافت پاسخ می‌باشد آیا برای پی‌گیری پاسخ، مطلب را در دفاتر یادداشت کرده‌اند؟
- آیا حسابرسی در چارچوب بودجه انجام شده است؟
- آیا مطالب لازم برای پی‌گیری در زمان حسابرسی آتی به صورت شفاف شناسایی شده‌اند؟
- کیفیت طبقه‌بندی مطالب و نوشته‌های حسابرسی چگونه است؟

۷- کارمندیابی و آموزش شغلی

کیفیت نیروی انسانی:

حسابرسان باید از خود نظم، دقت و ابتکار عمل نشان دهند. آن‌ها باید با پایداری قادر به پی‌گیری نتیجه منطقی یافته‌های خود باشند. همچنین ضروری است حسابرسان برای جلب احترام و همکاری کسانی که باید کارهایشان حسابرسی شود سنجیده و با سیاست و تدبیر رفتار نمایند در غیر این صورت حسابرسی از موفقیت ناچیزی برخوردار خواهد بود.

حسابرسان باید قادر به درک، تجزیه، تحلیل و اطلاع‌رسانی نتایج درباره سیستم‌ها و کنترل‌ها باشند از آنجایی که ممکن است بطور همزمان با موضوعات گوناگونی سروکار داشته باشند لازم است منعطف بوده و از قابلیت انطباق برخوردار باشند.

از آنجایی که باید با همکاران حسابرس در شرایط اجتماعی و کاری کنارآمده و تفاهم داشته باشند لازم است بتوانند در گروه‌ها همکاری نمایند.

شرح شغل (Job specifications):

شرح شغل حسابرسان باید به صورت مطلوب تنظیم گردد. به‌گونه‌ای که هیچ شبهه‌ای درمورد انتظاراتی که از آنان می‌رود وجود نداشته باشد. این مشخصات همچنین می‌تواند به عنوان تصویری از شرح وظایف برای ارائه به افراد علاقمند به همکاری با اداره حسابرسی مورد استفاده قرار گیرد.

اندازه تشکیلات:

تعداد حسابرسان داخلی مورد نیاز سازمان امری نظری است. این موضوع به پذیرش ریسک در سازمان مربوط می‌شود. در جهت راهنمایی ارقام ذیل بیانگر وضعیت بانک‌های مرکزی منتخب در ماه دسامبر سال ۱۹۹۴ می‌باشد:

بانک مرکزی	تعداد حسابرس	تعداد کل کارکنان	درصد حسابرسان به کل کارکنان
کانادا	۳۷	۲۱۳۷	۱/۷
فرانسه	۵۷	۱۶۸۷۴	۰/۳
آلمان	۳۶	۱۷۱۴۲	۰/۲
ایتالیا	۶۴	۹۳۵۱	۰/۷
ژاپن	۴۸	۶۱۶۰	۰/۸
انگلیس	۳۱	۴۰۷۲	۰/۸
ایالات متحده آمریکا*	۶۱	۴۱۵۴	۱/۵

* بانک فدرال رزرو نیویورک

استخدام و جذب نیرو:

برخی از سازمان‌ها حسابرسان داخلی را از خارج سازمان استخدام می‌کنند. سازمان‌های دیگر که نیرو از داخل جذب می‌کنند از اداره حسابرسی در جهت بستر آموزش‌های شفلی برای پیشرفت کارکنان خود در بلند مدت استفاده می‌نمایند. هریک از روشهای ذکر شده مزایا و معایبی دارند.

مزیت جذب پرسنل حسابرسی از خارج سازمان این است که کارکنان از قبل به عنوان حسابرس، آموزش دیده‌اند و بهترین تجارب حسابرسی مکسبیه از مشاغل قبلی را به سازمان

خواهند آورد. با این وجود آن‌ها از چگونگی کار سازمان آگاه نبوده و قبل از این که آن‌ها بتوانند بطور کامل انجام وظیفه نمایند مدتی طول خواهد کشید.

کارکنانی که از داخل سازمان جذب می‌شوند با چگونگی کار و محدودیت‌هایی که سازمان با آن مواجه می‌باشد آشنا بوده و مهارت‌های آن‌ها در سازمان شناخته شده است. گرچه در مقام حسابرسان داخلی نیازمند آموزش شغلی می‌باشند. به هر حال ممکن است آن‌ها در انجام وظایف حسابرسی با تعارض منافع مواجه شوند. بطور مثال اگر مجبور باشند در مورد حوزه‌ای که احتمالا در آینده هنگام بازگشت به سازمان مجدداً به آن ملحق می‌شوند گزارش حساس و مهمی تهیه نمایند یا نحوه کار یک دوست نزدیک را در سازمان حسابرسی نمایند.

حداقل برای مواردی که مهارت‌های خاصی در سازمان وجود ندارد جذب حسابرسان داخلی از خارج سازمان محتمل می‌باشد. این موضوع به خصوص در مورد حسابرسان رایا که مستلزم شناختی جامع از برنامه اجرایی مشخصی می‌باشد صادق است.

آموزش شغلی:

اگر نیروهای حسابرسی داخلی از داخل بانک جذب شده‌اند باید به عنوان حسابرس داخلی آموزش داده شوند. اصول پایه می‌تواند از طریق کتاب‌های مرجع و یا کتاب‌ها راهنما آموزش داده شده و آموزش شغلی در جنبه‌های عملی حسابرسی مانند مستندسازی توسط حسابرس مجرب داخل اداره حسابرسی انجام گیرد.

چنانچه کار حسابرسی تازه‌گی دارد یا حسابرسان نیازمند آموزش گسترده در تئور حسابرسی یا چگونگی آن در سایر سازمان‌ها باشند برخی از انواع آموزش خارجی ضرور خواهد بود. چنین آموزشی احتمالا می‌تواند توسط شرکت‌های حسابرسی و حسابرس بین‌المللی ارائه شود. یکی از آن‌ها حسابرسان مستقل بانک مرکزی متنوع یا سایر بانک‌ها

مرکزی باشد. در برخی از کشورها می‌توان مهارت‌های حسابرسی داخلی را از یک موسسه مناسب کسب نمود.

۸ - تعیین ارزش حسابرسی داخلی

تامین منابع (Securing the resources):

انجام عملیات حسابرسی داخلی در سازمان درحدی که هیات مدیره آمادگی پرداخت هزینه‌های آن را داشته باشد انجام می‌گیرد، اما لازم است سر حسابرس داخلی درباره منابع مورد نیاز به هیات مدیره رهنمودهایی بدهد. ضروری است که هیات مدیره درباره ارزش انجام حسابرسی توافق نموده و به همین دلیل در خصوص شرح وظایف اداره به توافق رسیده باشد (به بخش سوم مراجعه شود). اداره حسابرسی باید مسئولیت‌های محوله را به شکلی کارا، اثربخش و با مهارت انجام دهد که این امر با رعایت استانداردهای ذکر شده در این راهنما قابل حصول می‌باشد. ولی اندازه‌گیری کارایی، اثربخشی و مهارت، مشکل است.

بازده حسابرسی (Output):

برون داد اولیه حسابرسی داخلی حصول اطمینان رئیس کل یا هم تراز ایشان در بانک از این است که سیستم‌های بانک به صورت کنترل شده طراحی و اجراء شده است. بازده حسابرسی به صورت دقیق قابل اندازه‌گیری نمی‌باشد اما کنترل شاخص‌های پایه معین از سالی به سالی دیگر ممکن است. اگرچه هر کدام از این شاخص‌ها معایبی نیز دارند. شاخص‌های پایه احتمالی عبارتند از:

• تعداد کارکنان اداره حسابرسی:

اگر اداره حسابرسی از ابتدا با کمبود کارکنان مواجه نباشد (به جدول مقایسه‌ای تعداد کارکنان در بخش هفتم مراجعه شود) شاید کاهش تعداد نیرو فقط با تمرکز بر حوزه‌های با ریسک بیشتر که منجر به افزایش اثربخشی و کارایی خواهد شد، امکان‌پذیر باشد.

• هزینه اداره حسابرسی:

تمایل به اعمال فشار جهت کاهش هزینه‌ها به‌طوری اجتناب‌ناپذیر وجود دارد و سر حسابرس داخلی باید همیشه به دنبال آن باشد که حسابرسی مثلا با کاهش تعداد نیروی انسانی بیشترین کارایی را داشته باشد (نکته فوق‌الذکر). پس با فرض این‌که اداره حسابرسی تمام ریسک‌های عمده بانک را تحت پوشش قرار می‌دهد، تا هنگامی که ریسک‌ها در بانک افزایش نیابد هزینه‌ها بالا نخواهد رفت.

• تعداد گزارش‌های حسابرسی منتشره:

به‌دلیل اینکه سیستم‌های گوناگون نیازمند مدت زمان متفاوتی جهت حسابرسی می‌باشند این معیار دارای اشکال می‌باشد. بدین ترتیب که ممکن است در یک سال معین تعداد زیادی از سیستم‌های کوچک حسابرسی شده و منجر به ارائه گزارش‌های زیادی شوند ولی در سالی دیگر تعداد کمتری از سیستم‌های بزرگتر حسابرسی گردند.

• مقایسه تعداد حسابرسی انجام شده با تعداد حسابرسی برنامه‌ریزی شده:

این اعداد همواره قابل پی‌گیری می‌باشند. اما به‌عنوان معیار اندازه‌گیری بازده داری اشکال می‌باشد، زیرا همواره حسابرسی‌های ویژه یا برنامه‌ریزی نشده‌ای وجود دارند که باید در طول سال انجام گیرد و این امر به معنای لطمه‌زدن به برنامه حسابرسی برنامه‌ریزی شده می‌باشد.

- تعداد توصیه‌های حسابرسی:

این تعداد مشخصاً معیار مطلوبی نیست. چون اگر حسابرسان بدانند که تعداد پیشنهادها معیار تعیین اثربخشی کار آنها می‌باشد ممکن است صرفاً جهت افزایش تعداد، پیشنهادهای نسنجیده و غیرمنطقی مطرح کنند.

- کنترل کیفیت:

سیستم رتبه‌بندی کیفیت ممکن است توسط کسانی که مطالب و نوشته‌های حسابرسی را بررسی می‌کنند طراحی شود (به اصول کنترل کیفیت در بخش ششم مراجعه شود). رتبه‌های بالاتر بیانگر کیفیت بالای برون داد حسابرسی می‌باشد.

- بررسی رضایتمندی حسابرسی:

ارزشی که حسابرسی شونده برای حسابرس قابل می‌شود شاخص خوبی برای موثر بودن آن‌هاست. اما اندازه‌گیری آن نیز مشکل می‌باشد به‌گونه‌ای که بررسی تصادفی و اتفاقی رضایت مشتری می‌تواند بی‌فایده باشد.

نتیجه‌گیری:

ارزش حسابرسی داخلی موضوعی ذهنی (Subjective) است. گر چه شاخص‌های معینی ممکن است برای ارزیابی حسابرسی به کار رود ولی در نهایت امر نحوه برداشت هیات مدیره در مورد چگونگی قضاوت حسابرسان، همچنین مهارت و برداشت کلی آن‌هاست که بر ارزیابی حسابرسی داخلی سازمان، تاثیر می‌گذارد.

ضمیمه ۱

نمونه‌هایی از نواقص کنترلی و تاثیر آن بر ریسک‌هایی که بانک‌های مرکزی را تحت تاثیر قرار می‌دهد:

ریسک	نمونه نقص کنترل	تاثیر
کلاهبرداری	بانک باید سیستم پرداخت داشته باشد. دو نفر متفاوت مسئول وارد کردن و تایید در سیستم رایانه می‌باشند که هر کدام برای خود کلمه عبور جداگانه دارند و باید آنرا برای خود حفظ کنند اما مسئول وارد کردن اطلاعات بطور اتفاقی کلمه عبور تایید کننده را هنگام تایپ مشاهده می‌کند.	وارد کننده می‌تواند پرداختی را انجام و خود آنرا تایید نماید این روش کلاسیک کلاهبرداری است و بانک بدین ترتیب حجم قابل توجهی پول از دست می‌دهد.
سرقت	یکی از کارکنان وظیفه دسته‌بندی کردن اسکناس‌های مستعمل را بر عهده‌دارد اما کنترلی بر بسته‌هایی که به محوطه انبار وارد می‌شوند صورت نمی‌گیرد و تلویزیون مدار بسته نیز وجود ندارد.	تعدادی کارمند مسئول، موفق به مخفی کردن اسکناس‌ها در کیف جیبی و دستی خود می‌شوند و پول بانک از بین می‌رود.

تأثیر	نمونه نقص کنترل	ریسک
<p>موعد مقرر منقضی می‌شود و بانک متقاضی ممکن است بانک مرکزی را مورد پی‌گرد قرار دهد که خدشه‌دار شدن اعتبار و شاید پرداخت خسارت را در پی خواهد داشت.</p>	<p>بانک مسئولیت اعطای مجوز سپرده‌گیری برای بانک‌های تجاری را بر عهده‌دارد. طبق قانون تصمیم بانک باید در مدت زمان معینی از تقاضا صورت گیرد گرچه مدت زمانی که مراحل هر تقاضا طی می‌کند معین است اما کسی رعایت موعد مقرر قانونی را چک نمی‌کند.</p>	<p>تخطی از قانون</p>
<p>پرداخت حقوق از طرف بانک در تاریخ مورد نظر امکان‌پذیر نمی‌شود. این نقص مدیریت برای تنظیم مسئولیت‌های روشن جهت کارکنان یا نظارت در مورد انجام مسئولیت‌های محوله یک نقص کنترلی اساسی و کلیدی می‌باشد.</p>	<p>بانک برای پرداخت حقوق کارکنان خود سیستم جدیدی را خریداری می‌کند. عرضه کننده سیستم تعهد می‌نماید که در تمام شبانه روز سیستم را برای پرداخت دستمزد مناسب پشتیبانی کند. هیچکس مسئولیت کنترل پرداخت دستمزد رانداشته و موضوع فراموش شده است. سیستم دقیقاً روز قبل از پرداخت دچار مشکل می‌شود و کسی برای پشتیبانی در دسترس نمی‌باشد.</p>	<p>پشتیبانی غیر موثر از سیستم‌های رایانه</p>

ضمیمه ۲

نمونه‌هایی از رتبه‌بندی ریسک سیستم‌های مختلف برای تعیین حوزه‌هایی که منابع حسابرسی باید به سمت آن‌ها هدایت شوند.

امتیازها بر اساس ۳ - ۰ داده شده است.							
مدیریت ذخایر ارزی		طرح‌های احتیاطی برای شبکه رایانه‌ای		سیستم پرداخت		وزن	
امتیاز وزنی	امتیاز	امتیاز وزنی	امتیاز	امتیاز وزنی	امتیاز		
۴۵	۳	۳۰	۲	۰	۰	۱۵	آیا فعالیت اصلی بانک می‌باشد؟ پاسخ مثبت ۳ امتیاز
۴۵	۳	۴۵	۳	۱۵	۱	۱۵	خطا و زیان اعتبار بانک را خدشه‌دار می‌سازد؟ پاسخ مثبت ۳ امتیاز
۴۵	۳	۰	۰	۳۰	۲	۱۵	خطا و زیان منجر به نقض قوانین می‌شود؟ پاسخ مثبت ۲ امتیاز
۴۵	۳	۴۵	۳	۰	۰	۱۵	خطا و زیان تاثیر عمده و مهم بر حساب‌های بانک دارد؟ پاسخ مثبت ۳ امتیاز
۰	۰	۱۰	۱	۱۰	۱	۱۰	کیفیت کنترل‌ها در سیستم چگونه است؟ اگر ضعیف است ۲ امتیاز
۵	۱	۱۵	۳	۱۵	۳	۵	سیستم تا چه حد جا افتاده است؟ اگر جدید است ۳ امتیاز
۰	۰	۱۰	۱	۱۰	۱	۱۰	سابقه‌ای از خطا و زیان وجود دارد؟ پاسخ مثبت ۳ امتیاز
۱۰	۱	۱۰	۱	۱۰	۱	۱۰	کیفیت مدیریت و کارکنان سیستم چگونه است؟ اگر ضعیف است ۲ امتیاز
۱۹۵		۱۶۵		۹۰		جمع کل موزون	
<p>واضح است که در این مثال مدیریت ذخایر ارزی بیشترین ریسک را داشته و بعد از آن بافاصله‌ای کم طرح‌های احتیاطی شبکه‌های رایانه‌ای قرار دارد. تاکید حسابرسی باید بجای سیستم پرداخت که ریسک کمتری دارد به سمت سیستم‌های با ریسک بالا هدایت شود. اگر این فرایند برای تمام سیستم‌های بانک تکرار شود مبنایی برای برنامه حسابرسی‌های سالیانه فراهم می‌گردد.</p>							